



Article Type: Research paper

## Gas Policymaking in Iran: The Requirements of Sustainable Development and Regional Role-Making in the Islamic World

\*Mehdi Almasi Moghadam<sup>1</sup>, \*Davood Kiani<sup>2</sup>, Maryam Esmaeili Fard<sup>3</sup>

1. Department of Political Science, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

2. Department of Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

3. Department of Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

### Article Info.

Received: 16/07/2025

Accepted: 16/11/2025

Available Online: 11/9/2025

### Keywords:

Energy policymaking, sustainable development, integrated governance, Islamic energy diplomacy, environmental justice.

### \* Corresponding Author:

Davood Kiani

Address: Department of Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

E-mail:

davood.kiani@iau.ac.ir

### Abstract

The natural gas industry, as one of Iran's key strategic economic assets, plays a central role in advancing sustainable development—an approach that not only improves economic and environmental indicators but also aligns with the principles of justice, participation, and accountability in governance. Western perspectives on sustainable development emphasize transparency, intergenerational equity, resource conservation, and stakeholder engagement, while Islamic teachings highlight moderation in resource utilization, preservation of the environment as a divine trust, and the strengthening of solidarity within the Islamic community. Possessing the world's second-largest gas reserves, Iran holds significant potential to shape regional energy architecture and enhance energy diplomacy across the Islamic world. Nevertheless, the country's gas policymaking faces persistent challenges, including weak integrated governance, fragmented decision-making processes, and insufficient attention to strategic environmental assessments. This study examines these issues by addressing the central question of the key obstacles and requirements for achieving sustainable development in Iran's gas policy. The findings indicate that realizing sustainable development requires institutional reform, the establishment of participatory governance structures, long-term strategic planning, and the targeted use of natural gas capacities to reinforce regional economic, political, and cultural linkages. Strengthening transparency, accountability, and stakeholder participation, while aligning gas policy with broader objectives of the Islamic world, can provide a foundation for balanced, indigenous, and justice-oriented development.

### How to Site:

Kiani, D., Almasi, M. and Esmaeilifard, M. (2025). Gas Policymaking in Iran: The Requirements of Sustainable Development and Regional Role-Making in the Islamic World. *The Fundamental and Applied Studies of the Islamic World*, 7(3). 30-53.



Authors retain the copyright and full publishing rights.

Published by Iranian Association of Geopolitics. This article is an open access article licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

## سیاست گذاری گاز در ایران: الزامات توسعه پایدار و نقش آفرینی منطقه‌ای در جهان اسلام

مهدی الماسی مقدم<sup>۱</sup>، \* داود کیانی<sup>۲</sup>، مریم اسماعیلی فرد<sup>۳</sup>

۱. گروه علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.
۲. گروه علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۳. گروه علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

### اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۴  
تاریخ پذیرش: ۱۱ مرداد ۱۴۰۴  
تاریخ انتشار: ۲۰ آذر ۱۴۰۴

### چکیده

صنعت گاز طبیعی به‌عنوان یکی از مزیت‌های راهبردی اقتصاد ایران، نقشی کلیدی در تحقق توسعه پایدار ایفا می‌کند؛ توسعه‌ای که نه تنها به بهبود شاخص‌های اقتصادی و زیست‌محیطی منجر شود، بلکه با اصول عدالت، مشارکت و مسئولیت‌پذیری در حکمرانی همخوانی داشته باشد. از منظر غربی، توسعه پایدار مستلزم حکمرانی شفاف، عدالت بین نسلی، حفاظت از منابع طبیعی و مشارکت مؤثر ذی‌نفعان است، در حالی که آموزه‌های اسلامی نیز بر ضرورت رعایت تعادل در بهره‌برداری از منابع، حفظ محیط‌زیست به‌عنوان امری الهی و تقویت همکاری و همبستگی میان امت اسلامی تأکید دارند. جمهوری اسلامی ایران با در اختیار داشتن دومین ذخایر بزرگ گاز جهان، از ظرفیت بالایی برای ایفای نقش مؤثر در معماری انرژی منطقه‌ای و تقویت دیپلماسی انرژی در جهان اسلام برخوردار است. با این حال، سیاست‌گذاری گازی کشور با موانع متعددی از جمله ضعف در حکمرانی یکپارچه، گسست در فرآیند تصمیم‌سازی و بی‌توجهی به ارزیابی‌های زیست‌محیطی راهبردی روبه‌رو است که مانع از تحقق اهداف توسعه پایدار در این حوزه شده‌اند. این پژوهش با طرح این پرسش محوری که «مهم‌ترین موانع و الزامات تحقق توسعه پایدار در سیاست‌گذاری گاز ایران، با توجه به نقش منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای این کشور، کدام‌اند؟» به تحلیل این چالش‌ها پرداخته است. فرضیه تحقیق بر آن است که تحقق توسعه پایدار در سیاست گاز ایران، افزون بر رفع موانع نهادی، مستلزم استقرار ساختارهای حکمرانی مشارکتی، تدوین راهبردهای بلندمدت و بهره‌برداری هدفمند از ظرفیت گاز طبیعی برای تقویت پیوندهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی با کشورهای منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای است. این مطالعه با روش توصیفی-تحلیلی و در چهارچوب نظری توسعه پایدار انجام شده و با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای و اسنادی، از روش تحلیل مضمون برای واکاوی داده‌ها بهره گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که اصلاح ساختارهای سیاست‌گذاری انرژی، تقویت سازوکارهای شفافیت و پاسخ‌گویی، ارتقای مشارکت ذی‌نفعان و پیوند دادن سیاست‌گذاری با اهداف کلان جهان اسلام می‌تواند گامی اساسی در جهت تحقق توسعه‌ای متوازن، بومی‌گرا و عدالت‌محور باشد. نتایج این تحقیق می‌تواند راهنمایی نظری و کاربردی برای بازنگری در سیاست‌های انرژی کشور بر مبنای تلفیقی از رویکردهای توسعه پایدار غربی و اصول اسلامی ارائه دهد.

### کلیدواژه‌ها:

سیاست گذاری انرژی، توسعه پایدار، حکمرانی یکپارچه، دیپلماسی انرژی اسلامی، عدالت زیست‌محیطی.

### \* نویسنده مسئول:

داود کیانی

نشانی: گروه علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

پست الکترونیکی:

daavod.kiani@iau.ac.ir

### استناد به این مقاله:

الماسی مقدم، مهدی، کیانی، داود و اسماعیلی فرد، مریم. (۱۴۰۴). سیاست‌گذاری گاز در ایران: الزامات توسعه پایدار و نقش آفرینی منطقه‌ای در جهان اسلام. *مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام*، ۳۰(۳۷)، ۵۳-۳۰.

## ۱. مقدمه

در دهه‌های اخیر، توسعه پایدار به‌مثابه یکی از پارادایم‌های بنیادین در سیاست‌گذاری عمومی جایگاهی محوری در گفتمان‌های جهانی و منطقه‌ای یافته است. مفهوم توسعه پایدار در رویکرد غربی، بر تلفیق سه بعد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی تأکید دارد و سیاست‌گذاری را در چهارچوب حکمرانی مشارکتی، عدالت بین نسلی، حفاظت از منابع طبیعی و ارتقای رفاه عمومی سامان می‌دهد. درعین حال، آموزه‌های اسلامی نیز نگاهی غنی به توسعه دارند که در آن، اصولی همچون عدالت، حفظ تعادل در بهره‌برداری از منابع، امانت‌داری و اهتمام به عمران زمین (استخلاف) به‌عنوان پایه‌های توسعه متوازن و پایدار شناخته می‌شوند. در این میان، انرژی به‌ویژه گاز طبیعی، به‌عنوان یکی از منابع پاک، راهبردی و بین‌نسلی، جایگاه مهمی در سیاست‌های توسعه‌ای کشورهای یافته است. گاز طبیعی نه تنها بستری برای تحقق امنیت انرژی و رشد اقتصادی است، بلکه عاملی تأثیرگذار در روابط ژئوپلیتیکی، دیپلماسی انرژی و تعاملات منطقه‌ای محسوب می‌شود. جمهوری اسلامی ایران با برخورداری از دومین ذخایر گاز جهان، ظرفیتی منحصر به فرد برای پیشبرد اهداف توسعه پایدار و ایفای نقش ژئوپلیتیکی در ساختار انرژی منطقه‌ای دارد. همچنین با توجه به جایگاه فرهنگی، مذهبی و جغرافیایی ایران در جهان اسلام، سیاست‌گذاری گازی کشور می‌تواند زمینه‌ساز تعمیق همکاری‌های اقتصادی و انرژی‌محور در سطح امت اسلامی و تقویت دیپلماسی همگرایانه در سطح منطقه باشد.

با این حال، بررسی روندهای سیاست‌گذاری گاز در ایران نشان می‌دهد که علی‌رغم وجود ظرفیت‌های قابل توجه، موانعی نظیر ضعف در حکمرانی انرژی، ناپایداری در سیاست‌گذاری‌ها، غفلت از ارزیابی‌های زیست‌محیطی راهبردی و نبود پیوند مؤثر با اهداف منطقه‌ای و جهان اسلام، مانع از تحقق کامل اهداف توسعه پایدار شده‌اند. این وضعیت نیازمند بازاندیشی در سیاست‌گذاری گاز کشور بر مبنای تلفیقی از نظریه‌های نوین توسعه پایدار و آموزه‌های بومی-اسلامی است. در این چهارچوب، پژوهش حاضر با طرح پرسش اصلی «مهم‌ترین موانع و الزامات تحقق توسعه پایدار در سیاست‌گذاری گاز ایران، با توجه به نقش منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای این کشور، کدام‌اند؟» در پی تحلیل چندبعدی این مسئله است. فرضیه تحقیق آن است که تحقق توسعه پایدار در سیاست گاز ایران، افزون بر رفع موانع نهادی، مستلزم استقرار ساختارهای حکمرانی مشارکتی، تدوین راهبردهای بلندمدت و بهره‌برداری هدفمند از ظرفیت گاز طبیعی برای تقویت پیوندهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی با کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای

است. روش تحقیق پژوهش توصیفی-تحلیلی و کیفی است و داده‌ها از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی (اعم از اسناد بالادستی، سیاست‌نامه‌ها و پژوهش‌های پیشین) گردآوری و با روش تحلیل مضمون بررسی شده‌اند. در این مطالعه، متغیر مستقل شامل عوامل نهادی، ساختاری و سیاستی مؤثر بر سیاست‌گذاری گاز (از جمله حکمرانی، مشارکت ذی‌نفعان، شفافیت و رویکرد محیط‌زیستی) و متغیر وابسته، سطح تحقق توسعه پایدار در سه بعد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی است.

مقاله حاضر در شش بخش سازمان‌دهی شده است: پس از چکیده و مقدمه، بخش نخست به چهارچوب نظری با تمرکز بر نظریه‌های توسعه پایدار در غرب و اسلام می‌پردازد. بخش دوم، مروری تاریخی بر سیاست‌گذاری گاز در ایران ارائه می‌دهد. در بخش سوم، نقش گاز در فرایند توسعه ملی تحلیل می‌شود. بخش چهارم موانع ساختاری، نهادی و سیاستی را واکاوی می‌کند. بخش پنجم به تبیین الزامات توسعه پایدار با تمرکز بر نقش منطقه‌ای ایران در جهان اسلام اختصاص دارد و در نهایت، بخش ششم به جمع‌بندی و ارائه پیشنهادی سیاستی می‌پردازد.

## ۲. پیشینه و ادبیات پژوهش

در خصوص پژوهش انجام‌شده مطالعات و کتب و مقالات ارزشمندی در داخل و خارج کشور بدان پرداخته شده است که برای این پژوهش نقشی کلیدی و مؤثر را داشته‌اند. از جمله این آثار می‌توان به مطالعاتی در داخل کشور پرداخت که در ادامه تعدادی از آن‌ها بیان شده است.

**مطالعات داخلی:** علیرضا احمدی در مقاله‌ای با عنوان «چالش‌های سیاست‌گذاری انرژی در ایران با تأکید بر منابع گازی» به ضعف برنامه‌ریزی یکپارچه، نبود شفافیت در تنظیم‌گری و ناکارآمدی نهادی اشاره کرده و توسعه پایدار را نیازمند اصلاح ساختار سیاست‌گذاری می‌داند (Ahmadi, 2019). در پژوهشی دیگر سعید حیدری و همکاران با عنوان «تحلیل راهبردی صنعت گاز ایران در افق ۱۴۲۰ با رویکرد توسعه پایدار» سناریوهای راهبردی را بررسی کرده و بر لزوم اعمال ملاحظات زیست‌محیطی و اجتماعی در سیاست‌های گازی تأکید داشته‌اند (Heydari, 2021). همچنین می‌توان به اثری دیگر نوشته فاطمه کریمی با عنوان «الزامات حکمرانی انرژی در ایران» اشاره کرد که بر اهمیت مشارکت ذی‌نفعان، هماهنگی بین نهادی و شفافیت در سیاست‌گذاری گاز در چهارچوب توسعه پایدار تأکید کرده است (Karimi, 2019). محمدرضا باقری در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل ناپیوستگی سیاست‌های انرژی در ایران: چالش‌ها و پیامدها» با بررسی اسناد

سیاستی حوزه گاز و انرژی، ناپایداری و تغییرات مکرر سیاست‌ها را عاملی برای کاهش اثربخشی سیاست‌گذاری گازی و ناکامی در دستیابی به اهداف توسعه پایدار معرفی کرده است (Bagheri, 2022). زهرا صادقی و همکاران در پژوهش «الگوی حکمرانی پایدار انرژی در ایران با تأکید بر نهادگرایی»، تأکید می‌کنند که تحقق توسعه پایدار در بخش گاز ایران بدون ایجاد ساختارهای مشارکتی، تقویت نهادهای مستقل تنظیم‌گر و ارتقای شفافیت ممکن نیست (Zahra Sadeghi et al., 2021). همچنین در پژوهشی با عنوان «بررسی سیاست‌گذاری انرژی ایران در چهارچوب توسعه پایدار» به قلم نویسندگان منصوری، قادری و رضایی، چالش‌ها و راهبردهای زیست‌محیطی و اقتصادی سیاست‌های گازی را در سطح کلان بررسی شده‌اند. (Mansouri et al., 2019).

در خارج از کشور نیز نویسندگانی با توجه به پژوهش انجام‌شده مطالب ارزشمندی را به رشته تحریر درآورده‌اند که در ادامه چند نمونه از این مطالب معرفی و بررسی شده‌اند.

**مطالعات خارجی:** سواکول<sup>۱</sup> در پژوهشی با عنوان «مفهوم‌سازی امنیت و پایداری انرژی» با توجه به تحلیل چندبعدی سیاست‌های انرژی، عوامل مؤثر بر موفقیت سیاست‌های پایدار در منطقه را بررسی کرده است (Sovacool, 2011). چرپ و جول<sup>۲</sup> در پژوهشی با عنوان «مفهوم امنیت انرژی: فراتر از چهار مفهوم» نهادهای ملی و بین‌المللی را بازیگران کلیدی در ایجاد سیاست‌گذاری کارآمد انرژی معرفی کرده‌اند (Charb and Juul, 2014). همچنین در گزارش «آژانس بین‌المللی انرژی»<sup>۳</sup> با عنوان «چشم‌انداز انرژی جهان» بیان می‌کند که توسعه پایدار در بخش گاز مستلزم گذار به تنظیم‌گری هوشمند و سیاست‌گذاری مبتنی بر آینده‌پژوهی است (International Energy Agency, 2021). در مقاله‌ای با عنوان «حکمرانی و توسعه پایدار: گذار از نظریه به عمل» نویسندگانی بر ضرورت انتقال از مفاهیم نظری به سازوکارهای نهادی-اجرایی در سیاست‌گذاری پایدار انرژی تأکید دارد. او «حکمرانی چندسطحی» را مهم‌ترین مدل برای اداره منابع طبیعی و انرژی می‌داند (Meadowcroft, 2009). سواکول و دیگران<sup>۴</sup> در مقاله‌ای با عنوان «انقلاب انرژی پاک: موانع و راهبردهای اجرایی» با تأکید بر بخش گاز طبیعی، موانع نهادی و سیاستی را از جمله دلایل اصلی کندی در تحقق اهداف توسعه پایدار انرژی معرفی کرده‌اند

1. Sovacool
2. Cherp & Jewell
3. International Energy Agency (IEA)
4. Swakol, B. K., Ryan, S. E., Stern, PC, Janda, K., and Rochlin, J

(Sovacool et al., 2015). در پژوهشی به قلم آسواوی<sup>۵</sup> با تمرکز بر اصلاحات سیاست‌گذاری گاز در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، چهارچوبی تحلیلی از پیوند بین قیمت‌گذاری انرژی، امنیت انرژی و توسعه پایدار در جهان اسلام ارائه داده است که از حیث تطبیقی برای این پژوهش ارزشمند است (Aissaoui, 2016).

### ۳. چهارچوب نظری؛ توسعه پایدار با تأکید بر نظریه‌ها در غرب و اسلام

#### ۳-۱. مفهوم و خاستگاه نظری توسعه پایدار در اندیشه غربی

توسعه پایدار مفهومی است که در پاسخ به بحران‌های فزاینده زیست‌محیطی، چالش‌های عدالت اجتماعی و ناپایداری رشد اقتصادی در دهه‌های پایانی قرن بیستم، وارد ادبیات توسعه شد. نقطه عطف این تحول، گزارش کمیسیون جهانی محیط‌زیست و توسعه سازمان ملل (۱۹۸۷) مشهور به گزارش برانتلند است که توسعه پایدار را چنین تعریف کرده است: «توسعه‌ای که نیازهای نسل کنونی را بدون به خطر انداختن توانایی نسل‌های آینده برای تأمین نیازهای خود تأمین می‌کند.» (Brundtland Report, 1987: 43). در دهه‌های پس از آن، این مفهوم به یکی از مهم‌ترین چهارچوب‌های سیاست‌گذاری بین‌المللی تبدیل شد، به‌ویژه در قالب اهداف توسعه پایدار که سازمان ملل در سال ۲۰۱۵ ارائه کرد (UN, 2015). بر اساس این رویکرد، توسعه پایدار بر سه محور اساسی استوار است: نخست پایداری اقتصادی، رشد مبتنی بر بهره‌برداری بهینه و پایدار از منابع، کارآمدی در تخصیص منابع و افزایش رفاه عمومی؛ دوم پایداری اجتماعی، کاهش فقر، ارتقای عدالت اجتماعی، دسترسی برابر به منابع، آموزش و بهداشت و سوم پایداری زیست‌محیطی، حفاظت از منابع طبیعی، کاهش آلاینده‌ها و جلوگیری از تخریب تنوع زیستی.

اندیشمندان متعددی از جمله هرمن دیلی<sup>۶</sup> بر ابعاد نظری و عملی توسعه پایدار تأکید کرده‌اند (Daly, 1996). رابرت گودلند<sup>۷</sup> نیز از جمله نظریه‌پردازان این نظریه توسعه پایدار را در گرو پایداری زیست‌محیطی می‌داند و تأکید دارد که رشد اقتصادی نمی‌تواند بدون در نظر گرفتن مرزهای اکولوژیکی ادامه یابد. همچنین او بر نقش سرمایه طبیعی در توسعه پایدار تأکید می‌کند و از «پایداری محیط‌زیستی قوی» دفاع می‌کند که از مرزهای طبیعی

5. Aissaoui

6. Herman Daly

7. Robert Goodland

تختلی نمی‌کند (Goodland, 1995)). همچنین آمارتیا سن<sup>۸</sup>، برنده نوبل اقتصاد، توسعه پایدار را فرایندی برای گسترش آزادی‌های انسانی در قالب قابلیت‌ها می‌داند که شامل آزادی‌های سیاسی، دسترسی به منابع و امکانات زیست‌محیطی سالم است (Sen, 1999). از دیگر نظریات مرتبط می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: نظریه حکمرانی پایدار<sup>۹</sup>، که جان دریژک<sup>۱۰</sup> و دیگران توسعه داده‌اند، و بر مشارکت مردمی، شفافیت، پاسخ‌گویی و عدالت تأکید دارد. نظریه سرمایه‌های پنج‌گانه توسعه پایدار که به سرمایه‌های انسانی، اجتماعی، اقتصادی، طبیعی و نهادی به‌عنوان ارکان توسعه پایدار می‌نگرد (DFID, 1999). در این چهارچوب، انرژی به‌ویژه منابع تجدیدناپذیر همچون گاز طبیعی، موضوعی کلیدی در بحث پایداری زیست‌محیطی و عدالت بین نسلی تلقی می‌شود.

### ۳-۲. توسعه پایدار در منظومه فکری اسلام: اصول، مبانی و مدل‌ها

در جهان اسلام، گرچه اصطلاح «توسعه پایدار» به‌عنوان یک مفهوم مدرن وارد شده؛ بنیان‌های نظری و مفهومی آن در قرآن، سنت، فقه و حکمت اسلامی از پیش وجود داشته است. در متون اسلامی، مفاهیمی چون استخلاف، عمران، عدالت، قوام معیشت و حفظ منابع الهی مبنای توسعه تلقی می‌شوند. مهم‌ترین اصول توسعه پایدار در اسلام شامل مواردی چون الف) استخلاف و امانت‌داری انسان در زمین: بر اساس آیات قرآن، انسان خلیفه خداوند بر زمین است و موظف به حفظ، آبادسازی و بهره‌برداری متعادل از منابع طبیعی است. ب) عدالت اجتماعی و زیست‌محیطی: عدالت یکی از اصول کلیدی اسلام است که هم در توزیع منابع (عدالت اقتصادی)، هم در بهره‌برداری از محیط (عدالت زیست‌محیطی) و هم در رابطه میان نسل‌ها مطرح است. اسراف، تبذیر و تخریب محیط‌زیست در قرآن به‌شدت نکوهش شده‌اند (اسراء، آیه ۲۷؛ اعراف، آیه ۳۱). ج) حفظ تعادل و میانه‌روی در بهره‌برداری از منابع: اسلام بر «اقتصاد در مصرف» و جلوگیری از افراط و تفریط در استفاده از منابع تأکید می‌کند. این رویکرد با اصل «رشد پایدار و متعادل» در توسعه غربی همخوانی دارد. د) توسعه متوازن مادی و معنوی: در دیدگاه اسلامی، توسعه صرفاً به معنای رفاه مادی نیست، بلکه رشد روحی، اخلاقی، و اجتماعی جامعه را نیز دربر می‌گیرد. توسعه پایدار اسلامی ناظر به کمال انسانی در کنار آبادانی

8. Amartya Sen  
9. Sustainable Governance  
10. John Dryzek

اقتصادی است. اندیشمندان معاصر مسلمان مانند شهید سید محمدباقر صدر در نظریه اقتصاد توحیدی خود تأکید کرده‌اند که اقتصاد اسلامی باید مبتنی بر عدالت، مشارکت عمومی و استفاده مسئولانه از منابع باشد. همچنین سید حسین نصر با نگاهی فلسفی-اکولوژیک، تخریب طبیعت را ناشی از انقطاع انسان از معنویت دانسته و بر «نگاه قدسی به طبیعت» تأکید می‌کند (Nasr, 1976).

### ۳-۳. چهارچوب تلفیقی برای سیاست‌گذاری گاز در ایران

در زمینه سیاست‌گذاری منابع گازی ایران، که هم از منظر اقتصادی و هم ژئوپلیتیکی اهمیت دارد، تلفیق نظریه‌های توسعه پایدار غربی و اسلامی می‌تواند مبنایی مفهومی و کاربردی برای دستیابی به حکمرانی انرژی پایدار را فراهم کند. چنین رویکردی باید بر مؤلفه‌هایی چون شفافیت و مشارکت در فرایند سیاست‌گذاری، توجه به عدالت نسلی و زیست‌محیطی، توازن میان منافع اقتصادی و الزامات اخلاقی، تقویت نقش ایران در دیپلماسی انرژی با کشورهای اسلامی، گره زدن سیاست انرژی با ارزش‌های بومی و دینی تأکید داشته باشد. این چهارچوب نظری، مسیر دستیابی به سیاست‌گذاری پایدار گاز در ایران را به‌گونه‌ای ترسیم می‌کند که هم از آموزه‌های علمی غربی بهره‌گیرد و هم با بنیان‌های اسلامی و تمدنی کشور سازگار باشد.

### ۴. تاریخچه سیاست‌گذاری گاز در ایران

سیاست‌گذاری گاز در ایران به‌عنوان بخشی از سیاست‌های انرژی کشور، بازتابی از تحولات اقتصادی، سیاسی و ژئوپلیتیکی ایران در دوران معاصر است. این سیاست‌گذاری‌ها از زمان کشف گاز طبیعی در اوایل قرن بیستم تاکنون، دوره‌های متفاوتی را پشت سر گذاشته است که هر یک تحت تأثیر اولویت‌های اقتصادی، نیازهای داخلی، فشارهای خارجی و الزامات توسعه‌ای شکل گرفته است.

#### ۴-۱. دوره پیش از ملی شدن صنعت نفت (قبل از ۱۳۲۹)

در دوره پیش از ملی شدن صنعت نفت، چهارچوب کلی سیاست‌گذاری در حوزه انرژی ایران به‌ویژه گاز طبیعی، به‌شدت در تسلط و انحصار شرکت نفت ایران و انگلیس (AIOC) قرار داشت؛ شرکتی که به‌مثابه یک بازیگر فراملی، اولویت اصلی خود را بر استخراج و صادرات نفت خام متمرکز کرده بود. در این چهارچوب، گاز طبیعی صرفاً به‌عنوان محصول فرعی

فرایند استخراج نفت تلقی می‌شد و فاقد جایگاه مستقل در سیاست‌گذاری انرژی بود. نبود فناوری‌های پیشرفته جمع‌آوری و بهره‌برداری از گاز همراه و نیز فقدان برنامه‌ریزی جامع برای استفاده از این منبع، منجر به سوزاندن گسترده گاز در مشعل‌ها شد که خود نشانه‌ای از نگاه ابزاری و غیراستراتژیک به این منبع ارزشمند انرژی در آن زمان است (National Iranian Oil Company, 2019: 5). این وضعیت تا حدودی بازتاب‌دهنده جایگاه ایران در نظم بین‌المللی انرژی بود؛ به گونه‌ای که ساختار وابسته و پیرامونی اقتصاد انرژی ایران، امکان بهره‌برداری هدفمند از منابع گاز را از طریق سازوکارهای ملی از بین برده بود. گاز طبیعی در این دوره نه به مثابه یک منبع دارای ارزش اقتصادی یا ژئوپلیتیکی مستقل، بلکه به عنوان ضایعات یا پسماند ناخواسته صنعت نفت تلقی می‌شد. چنین نگاهی ریشه در الگوی وابسته توسعه انرژی و کنترل حداکثری شرکت‌های خارجی بر دارایی‌های زیرزمینی ایران داشت؛ الگویی که مانع از شکل‌گیری هرگونه سیاست‌گذاری ملی مستقل در حوزه گاز می‌شد. دوره ملی شدن نفت تا پیش از انقلاب (۱۳۲۹-۱۳۵۷).

#### ۴-۲. دوره ملی شدن صنعت نفت تا پیش از انقلاب اسلامی (۱۳۲۹-۱۳۵۷)

با ملی شدن صنعت نفت در سال ۱۳۲۹ و تأسیس شرکت ملی نفت ایران، نقطه عطفی در تاریخ سیاست‌گذاری انرژی ایران رقم خورد. این تحول ضمن کاهش سلطه مستقیم شرکت‌های خارجی، زمینه‌ساز تدوین تدریجی سیاست‌های ملی در بخش گاز شد. اگرچه تمرکز اولیه همچنان بر توسعه ظرفیت‌های نفتی باقی ماند، اما در کنار آن، شناخت نسبت به منابع گاز و ظرفیت‌های آن نیز آغاز شد. مطالعات زمین‌شناسی و اکتشاف در میدان‌های بزرگ گازی نظیر گچساران، آغا‌جاری و سرخون، که از مهم‌ترین ذخایر گاز ایران به شمار می‌روند، از این دوره آغاز شد و مسیر را برای بهره‌برداری هدفمند از گاز طبیعی هموار کرد (Nasiri, 2008: 28). تحول ساختاری مهم دیگر، تأسیس شرکت گاز ایران در سال ۱۳۴۴ بود که برای تمرکز بر سیاست‌گذاری و اجرای طرح‌های مرتبط با توزیع گاز شهری، صنعتی و نیروگاهی تأسیس شد. مهم‌ترین دستاورد این شرکت، طراحی و اجرای خط لوله سراسری گاز بود که در سال ۱۳۵۴ به بهره‌برداری رسید و امکان انتقال گاز از منابع جنوب به مناطق صنعتی و پرجمعیت شمال کشور را فراهم کرد (National Iranian Gas Company, 2021: 19). این تحول، گاز را به صورت رسمی وارد ساختار مصرف انرژی کشور کرد و زیرساخت لازم برای جایگزینی آن با سایر سوخت‌ها فراهم شد. در دهه ۱۳۵۰، سیاست‌گذاری گازی ایران وارد مرحله صادرات‌محور

شد. قرارداد صادرات گاز به اتحاد جماهیر شوروی سابق، که با عنوان «قرارداد گاز ایران و شوروی» شناخته می‌شود، نقطه آغاز این رویکرد بود. این قرارداد نه تنها از منظر اقتصادی، بلکه از نظر ژئوپلیتیکی نیز حائز اهمیت بود، زیرا در شرایط جنگ سرد، ایران با صادرات گاز به یکی از بلوک‌های قدرت، نقشی استراتژیک را برای خود تعریف کرد (Yadegari, 2016: 88). این رویکرد، نشانه‌ای از آغاز بهره‌برداری از گاز به مثابه ابزاری در سیاست خارجی و هم‌زمان تنوع‌بخشی به کارکردهای گاز طبیعی در سطوح داخلی و منطقه‌ای بود.

### ۳-۴. دوره پس از انقلاب اسلامی (۱۳۵۷ تا کنون)

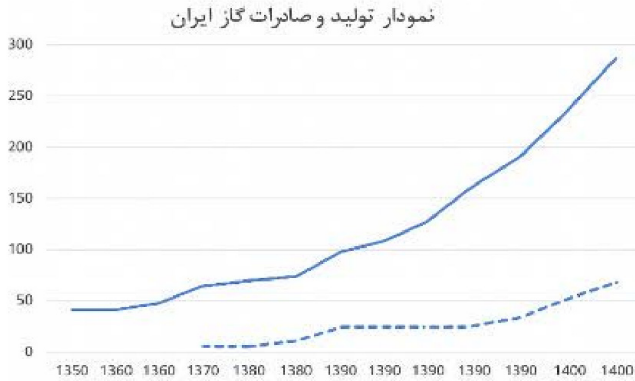
پس از پیروزی انقلاب اسلامی سیاست‌گذاری گاز دچار تحولاتی اساسی شد. در دهه ۱۳۶۰، تمرکز اصلی سیاست‌گذاری گاز بر بازسازی زیرساخت‌های آسیب‌دیده از جنگ تحمیلی و گسترش شبکه گازرسانی به شهرها و روستاهای کشور بود. در این دوره، سیاست گازرسانی به مناطق محروم به‌عنوان ابزاری برای تحقق عدالت اجتماعی مطرح شد (Majles Research Center, 2005: 42). در دهه ۱۳۷۰، با پایان جنگ و آغاز دوران بازسازی، سیاست‌گذاری گاز به سمت توسعه صادرات و استفاده از گاز به‌عنوان منبع درآمد ارزی کشور متمایل شد. این امر منجر به برنامه‌ریزی برای احداث خطوط لوله صادراتی به ترکیه و پاکستان و پیگیری پروژه‌های LNG شد (Alezadeh, 2006: 65). در دهه ۱۳۸۰ و ۱۳۹۰: سیاست‌گذاری گاز در این دوران تحت تأثیر دو روند عمده بود: نخست افزایش تولید از میدان گازی پارس جنوبی برای پاسخ به نیازهای داخلی و صادراتی و دوم تمرکز بر تکمیل زنجیره ارزش گاز و توسعه صنایع پتروشیمی گاز پایه (National Iranian Gas Company, 2020: 37). هم‌زمان تحریم‌های بین‌المللی و فشارهای خارجی موجب کنندی در تحقق بسیاری از پروژه‌های صادراتی و فناوری‌های پیشرفته (مانند LNG) شد (UNDP, 2020: 56). در دهه ۱۴۰۰ به بعد: در اسناد بالادستی نظیر سیاست‌های کلی انرژی (۱۳۸۰) و سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی (۱۳۹۲)، بر «افزایش بهره‌وری انرژی»، «کاهش شدت انرژی»، «توسعه زنجیره ارزش» و «ارتقای فناوری‌های بومی» در سیاست‌گذاری گاز تأکید شده است. باین‌حال، استمرار چالش‌هایی همچون خام‌فروشی، شدت بالای مصرف داخلی و ضعف نهادهای تنظیم‌گر همچنان مسیر توسعه پایدار صنعت گاز را دشوار کرده است (Saeedi, 2019: 102). سیاست‌گذاری گاز در ایران از نگاه تاریخی، از یک سیاست مبتنی بر خام‌فروشی و نگاه صرف به درآمدزایی، به تدریج به سمت سیاست‌هایی با رویکرد توسعه پایدار، عدالت اجتماعی و ارتقای بهره‌وری حرکت کرده است. با وجود این، تحقق

کامل این اهداف نیازمند اصلاح ساختار حکمرانی انرژی، یکپارچه‌سازی سیاست‌ها و غلبه بر چالش‌های فناورانه و ژئوپلیتیکی است.

جدول ۱. دوره‌بندی سیاست‌گذاری گاز در ایران (منبع: نگارندگان)

دوره زمانی	ویژگی‌های سیاست‌گذاری گاز	اولویت‌های کلیدی	چالش‌های عمده
پیش از ۱۳۲۹	سلطه شرکت نفت ایران و انگلیس، گاز به‌عنوان محصول جانبی	استفاده محدود، سوزاندن گاز	نبود فناوری، نداشتن سیاست مستقل
۱۳۲۹-۱۳۵۷	ملی شدن نفت، تأسیس شرکت گاز، توسعه خطوط انتقال	گازرسانی به شهرها، صادرات به شوروی	محدودیت فناوری، وابستگی به قراردادها
۱۳۵۷-۱۳۶۸	پس از انقلاب، جنگ تحمیلی	بازسازی، عدالت اجتماعی (گازرسانی روستایی)	آسیب زیرساخت‌ها، کمبود سرمایه
۱۳۶۸-۱۳۸۴	بازسازی، توسعه صادرات، زنجیره ارزش	صادرات به ترکیه، توسعه پتروشیمی	تحریم‌ها، مشکلات مالی
۱۳۸۴-۱۳۹۹	توسعه پارس جنوبی، اقتصاد مقاومتی	افزایش تولید، تکمیل زنجیره ارزش	LNG، تحریم، ضعف فناوری
۱۴۰۰ به بعد	تأکید بر پایداری، بهره‌وری، کاهش شدت انرژی	تکمیل زنجیره، ارتقای فناوری بومی	مصرف بالا، خام‌فروشی، ضعف حکمرانی

کشور ایران با در اختیار داشتن دومین ذخایر گاز جهان پس از روسیه، همواره ظرفیت بالایی برای سیاست‌گذاری توسعه‌محور در بخش گاز داشته است. با این حال، مقایسه سیاست‌های ایران و قطر به‌عنوان شریک ایران در میدان پارس جنوبی / گنبد شمالی نشان می‌دهد که تفاوت‌های بنیادینی در جهت‌گیری‌ها و دستاوردها وجود دارد. قطر از دهه ۱۹۹۰، سیاست‌های گازمحور خود را بر پایه توسعه سریع میادین گازی، سرمایه‌گذاری عظیم در فناوری‌های پیشرفته (به‌ویژه LNG) و حضور مؤثر در بازار جهانی گاز بنا کرد. این کشور توانست ظرف دو دهه به بزرگ‌ترین صادرکننده گاز طبیعی مایع (LNG) در جهان تبدیل شود و اقتصاد خود را به‌شدت متکی بر صادرات گاز کند (Stern, 2007: 88). در مقابل، سیاست‌گذاری گاز ایران به دلیل چالش‌های ناشی از تحریم‌ها، ناهماهنگی‌های نهادی و ضعف در جذب فناوری‌های پیشرفته عمدتاً بر تأمین نیاز داخلی و تکمیل زنجیره ارزش در داخل کشور متمرکز شد. خام‌فروشی، شدت بالای مصرف داخلی و تأخیر در توسعه پروژه‌های صادراتی از مشکلات کلیدی سیاست‌گذاری ایران به‌شمار می‌رود (El-Katiri, 2014: 102).



نمودار ۱. تولید و صادرات گاز ایران ۱۳۵۰-۱۴۰۰ (منبع: نگارندگان)

## ۵. نقش صنعت گاز در فرایند توسعه ملی

صنعت گاز طبیعی، به‌عنوان یکی از ارکان کلیدی اقتصاد انرژی ایران، نقشی بنیادین در تحقق چشم‌اندازهای توسعه ملی، پایدار و متوازن ایفا می‌کند. برخورداری ایران از حدود ۱۷ درصد از کل ذخایر اثبات‌شده گاز طبیعی جهان (BP, 2022: 34)، این کشور را پس از روسیه در جایگاه دوم جهانی قرار داده و مزیتی رقابتی برای آن در معادلات اقتصاد انرژی و توسعه منطقه‌ای فراهم کرده است. این موقعیت ممتاز، در صورتی که با سیاست‌گذاری کارآمد، فناوری روزآمد و مدیریت منابع پیوند یابد، می‌تواند صنعت گاز را به موتور محرک توسعه چندسطحی تبدیل کند. کارکردهای راهبردی صنعت گاز را می‌توان در چهار سطح اصلی بررسی و تحلیل کرد.

### ۵-۱. محرک رشد اقتصادی و اشتغال‌زایی

صنعت گاز به دلیل زنجیره ارزش گسترده خود، از بالادست (اکتشاف، استخراج، بهره‌برداری) تا پایین‌دست (پالایش، انتقال، پتروشیمی، تولید برق و صنایع تبدیلی)، ظرفیت بالایی برای ایجاد اشتغال مستقیم و غیرمستقیم دارد. سرمایه‌گذاری در پروژه‌های گازرسانی، احداث پالایشگاه‌ها، توسعه میادین گازی و خطوط انتقال، نه تنها مشاغل صنعتی، فنی و مهندسی ایجاد می‌کند، بلکه موجب رونق بازارهای خدماتی و منطقه‌ای نیز می‌شود. افزون بر این، گاز طبیعی به‌عنوان منبع اصلی تأمین انرژی ارزان و پایدار، زیربنای رشد سایر بخش‌های مولد نظیر صنعت، کشاورزی و حمل‌ونقل را فراهم می‌کند. طبق گزارش‌های بین‌المللی، توسعه صنعت گاز در کشورهای

در حال توسعه موجب افزایش ظرفیت تولید ناخالص داخلی، کاهش وابستگی به واردات انرژی و تقویت تاب‌آوری اقتصادی در برابر شوک‌های خارجی شده است (El-Katiri, 2014: 97).

### ۲-۵. توسعه زیرساخت‌های ملی و تقویت عدالت انرژی

توسعه فیزیکی و مهندسی صنعت گاز، بستر ایجاد و ارتقای زیرساخت‌های حیاتی کشور را فراهم کرده است. احداث خطوط لوله سراسری، ایستگاه‌های تقویت فشار، مراکز توزیع گاز، پالایشگاه‌ها و مجتمع‌های پتروشیمی، نه تنها ارزش افزوده اقتصادی تولید می‌کنند، بلکه ساختار فنی کشور را نوسازی می‌کنند. در عین حال، گازرسانی به مناطق روستایی، دورافتاده و کمتر توسعه یافته، ابزاری برای تحقق عدالت انرژی و کاهش نابرابری‌های جغرافیایی و اجتماعی محسوب می‌شود. سیاست‌های گازرسانی روستایی طی دهه‌های گذشته، نقش مهمی در بهبود کیفیت زندگی، کاهش مهاجرت و ایجاد اشتغال محلی داشته‌اند (Tahvonon & Salo, 2001: 399). زیرساخت‌های گازی همچنین در چهارچوب تاب‌آوری اقلیمی و امنیت انرژی نیز اهمیت فزاینده یافته‌اند.

### ۳-۵. کاهش شدت انرژی و بهبود عملکرد زیست‌محیطی

باتوجه به شدت بالای مصرف انرژی در اقتصاد ایران، گاز طبیعی به‌عنوان سوخت پاک و با آلاینده‌گی کمتر، ابزاری مؤثر برای اصلاح الگوی مصرف انرژی و کاهش پیامدهای زیست‌محیطی به شمار می‌رود. جایگزینی گاز طبیعی با سوخت‌های مایع نظیر گازوئیل و نفت کوره در نیروگاه‌ها، صنایع و حمل‌ونقل، موجب کاهش انتشار گازهای آلاینده، بهبود کیفیت هوا و ارتقای سلامت عمومی شده است. این فرایند همچنین بخشی از تعهدات بین‌المللی ایران در چهارچوب کنوانسیون پاریس و سایر موافقت‌نامه‌های زیست‌محیطی را محقق می‌کند (IEA, 2018: 56). به بیان دیگر، توسعه صنعت گاز می‌تواند با رویکرد اقتصاد کم‌کربن، به‌عنوان پیونددهنده سیاست‌های انرژی، توسعه و محیط‌زیست ایفای نقش کند.

### ۴-۵. تقویت امنیت انرژی و ژئوپلیتیک منطقه‌ای

یکی از ابعاد استراتژیک صنعت گاز ایران، نقش آن در معادلات ژئوپلیتیکی و امنیت انرژی منطقه‌ای است. صادرات گاز طبیعی به کشورهای همسایه، چه از طریق خطوط لوله و چه در قالب پروژه‌های LNG (گاز طبیعی مایع‌شده)، فرصتی برای دیپلماسی انرژی و تثبیت جایگاه ژئوپلیتیکی ایران فراهم می‌کند. گرچه توسعه پروژه‌های LNG با چالش‌هایی نظیر تحریم‌ها،

کمبود سرمایه‌گذاری خارجی و محدودیت‌های فناوری روبه‌رو است؛ پتانسیل آن در صورت رفع موانع می‌تواند به عنصری تعیین‌کننده در راهبردهای انرژی و سیاست خارجی کشور تبدیل شود. افزون بر آن، نقش ترانزیتی ایران در مسیرهای انتقال انرژی آسیای مرکزی به خاورمیانه و اروپا نیز در صورت بازتعریف سیاست‌ها می‌تواند تقویت شود (Stern, 2007: 88). بنابراین صنعت گاز تنها یک منبع درآمدی نیست، بلکه ابزار قدرت نرم و سخت ایران در سطح منطقه‌ای است. صنعت گاز در ایران فراتر از نقش سنتی تأمین انرژی، به‌مثابه پیشران توسعه اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی عمل می‌کند. باین‌حال، بهره‌گیری بهینه از این پتانسیل نیازمند اصلاحات اساسی در سیاست‌گذاری انرژی، ارتقای فناوری‌های بهره‌برداری، بهبود نظام حکمرانی منابع طبیعی و کاهش شدت مصرف انرژی در سطح ملی است. در صورتی که توسعه صنعت گاز با اصول توسعه پایدار و شفافیت نهادی گره بخورد، می‌توان انتظار داشت که این بخش به یکی از ستون‌های اصلی تحول اقتصادی کشور در دهه‌های آینده بدل شود.

## ۶. موانع ساختاری، نهادی و سیاسی تحقق توسعه پایدار

ایران با برخورداری از دومین ذخایر بزرگ گاز طبیعی در جهان، ظرفیت بالقوه‌ای برای توسعه‌ای پایدار، درون‌زا و عدالت‌محور دارد. باین‌حال، سیاست‌گذاری گاز طی دهه‌های گذشته نتوانسته به‌طور مؤثر با معیارها و اصول توسعه پایدار انطباق یابد. توسعه پایدار، در مفهوم نهادینه‌شده‌اش، مستلزم توازن و تعامل سه بعد اصلی اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی است که از طریق نهادهای سیاست‌گذار کارآمد، فناوری‌های پاک، نظام تصمیم‌گیری مشارکتی و توجه به منافع میان‌نسلی قابل تحقق است (Sachs, 2015: 6-9)، اما در تجربه سیاست‌گذاری گاز در ایران، این مؤلفه‌ها با موانع پیچیده‌ای روبه‌رو هستند.

### ۶-۱. موانع نهادی و حکمرانی انرژی

یکی از مهم‌ترین موانع تحقق توسعه پایدار در سیاست‌گذاری گاز، فقدان یک نهاد ملی هماهنگ‌کننده انرژی با اختیارات برنامه‌ریزی و نظارت است. تصمیم‌گیری‌ها در حوزه انرژی، به‌ویژه گاز، میان چندین بازیگر پراکنده وزارت نفت، شرکت ملی گاز، وزارت نیرو، سازمان محیط‌زیست، مجلس شورای اسلامی و شورای عالی امنیت ملی توزیع شده که اغلب فاقد هماهنگی راهبردی هستند (Alizadeh et al., 2022: 61). این ساختار پراکنده موجب سیاست‌گذاری‌های متعارض، تصمیمات مقطعی و ناپایداری در اجرای سیاست‌ها شده است.

در بسیاری از پروژه‌های گازی، ارزیابی‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی به صورت نمادین یا پسینی صورت می‌گیرند. نبود نظام ارزیابی تأثیرات محیط‌زیستی واقعی و ضعف در فرایند تحلیل هزینه فایده اجتماعی، باعث شده تصمیمات اغلب بدون ملاحظات توسعه پایدار اتخاذ شوند (UNDP, 2020: 52). همچنین مکانیزم پاسخگویی شفاف به جامعه مدنی و نهادهای علمی در تدوین سیاست‌های گازی، ضعیف و غیرنهادینه باقی مانده است.

### ۶-۲. موانع ساختاری-اقتصادی

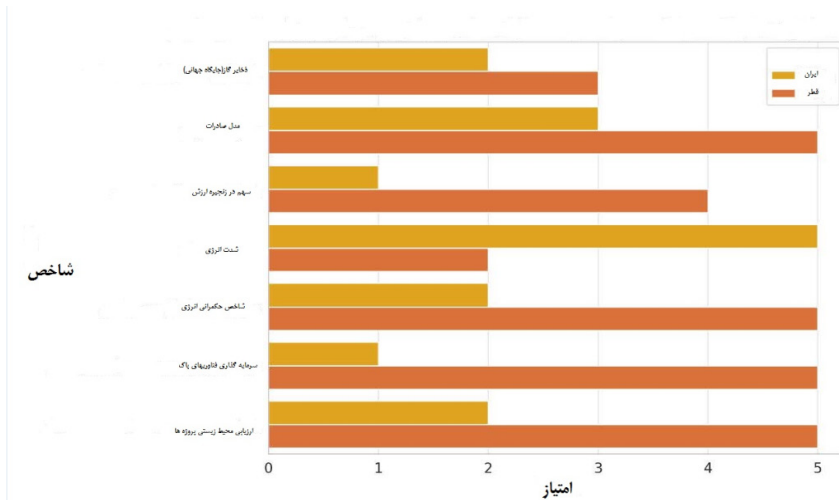
در شرایطی که بیش از ۸۰ درصد مصرف گاز ایران به مصرف داخلی اختصاص دارد عمدتاً بهره‌وری پایین تداوم این روند، نه تنها موجب اتلاف منابع ارزشمند شده، بلکه امکان ایفای نقش در بازار منطقه‌ای و جهانی گاز را نیز کاهش داده است (IEA, 2021: 48). وابستگی بودجه‌ای به درآمدهای حاصل از صادرات نفت و گاز نیز دولت را به تداوم سیاست خام‌فروشی سوق داده که مغایر با اصول توسعه پایدار از منظر تنوع اقتصادی و ارزش افزوده است. ساختار معیوب قیمت‌گذاری گاز، به‌ویژه یارانه‌های سنگین در بخش خانگی، صنعتی و نیروگاهی، باعث کاهش انگیزه بهره‌وری، افزایش مصرف و توزیع ناعادلانه منافع شده است. به تعبیر بانک جهانی، «یارانه‌های گسترده انرژی به مثابه مانعی نهادی در برابر اصلاحات پایدار اقتصادی زیست‌محیطی عمل می‌کنند» (World Bank, 2021: 39). علاوه بر این، این یارانه‌ها بار مالی سنگینی را به بودجه عمومی کشور تحمیل می‌کنند.

### ۶-۳. موانع فناورانه و فنی

اکوسیستم فناوری صنعت گاز ایران، به شدت وابسته به واردات فناوری و مهندسی خارجی بوده و تلاش‌های بومی‌سازی، غالباً در حد پروژه‌های محدود باقی مانده است. تحریم‌های خارجی نیز دسترسی به فناوری‌های روز در حوزه استخراج، پالایش، بهره‌وری و تولید LNG را محدود کرده‌اند (El-Katiri, 2014: 101). این وضعیت، ظرفیت ایران را برای توسعه زنجیره ارزش گاز و رقابت در بازارهای منطقه‌ای و جهانی کاهش داده است. بر اساس گزارش شرکت ملی نفت، ایران سالانه میلیاردها متر مکعب گاز همراه نفت را می‌سوزاند که علاوه بر اتلاف منابع، خسارات جدی زیست‌محیطی وارد می‌کند (National Iranian Oil Company, 2019: 15). این در حالی است که فناوری‌های بازیافت این گازها قابل دسترس و کم‌هزینه بوده‌اند، اما به دلایل نهادی، بودجه‌ای و مدیریتی اجرایی نشده‌اند.

## ۶-۴. موانع زیست‌محیطی و ناپایداری اکولوژیک

شدت انرژی (نسبت مصرف انرژی به تولید ناخالص داخلی) در ایران بیش از ۲ برابر میانگین جهانی است. این شاخص بیانگر ناکارآمدی ساختاری در مصرف انرژی است که منجر به تولید بیش از حد آلاینده‌ها و کاهش راندمان اقتصادی شده است (Sovacool, 2011: 7110). استفاده بی‌رویه از گاز در صنعت، حمل‌ونقل و بخش خانگی، همراه با ضعف در استانداردهای مصرف، موجب تشدید بحران آلودگی و آسیب به منابع زیستی شده است. در سیاست‌گذاری گاز، مناطق آسیب‌پذیر مانند مناطق ساحلی خلیج فارس یا مناطق عشایری اغلب بیشترین بار زیست‌محیطی را متحمل شده‌اند، در حالی که کمترین بهره اقتصادی را برده‌اند. این مسئله با اصول «عدالت بین نسلی و درون نسلی» که در هسته نظریه توسعه پایدار قرار دارند، در تضاد است (Sachs, 2015: 12). موانع تحقق توسعه پایدار در سیاست‌گذاری گاز ایران، صرفاً فنی یا مالی نیستند، بلکه ریشه‌ای در ساختار حکمرانی انرژی، ضعف نهادسازی، فشارهای ژئوپلیتیکی، وابستگی به منابع خام و نگاه کوتاه‌مدت درآمدی دارند. عبور از این موانع، مستلزم یک تحول پارادایمی در نظام سیاست‌گذاری انرژی کشور است؛ تحولی که اصول توسعه پایدار را در همه سطوح از طراحی سیاست تا اجرای پروژه و ارزیابی نتایج نهادینه کند.



نمودار ۲. مقایسه ایران و قطر در شاخص‌های کلیدی سیاست‌گذاری گاز (منبع: نگارندگان)

## ۷. الزامات سیاست‌گذاری کارآمد و پایدار با تأکید بر نقش منطقه‌ای ایران در جهان اسلام

سیاست‌گذاری پایدار در حوزه گاز ایران، تنها زمانی می‌تواند به نتایج بلندمدت و اثربخش دست یابد که با رویکردی منطقه‌محور، همساز با تحولات ژئوپلیتیکی، اقلیمی و اقتصادی جهان اسلام و غرب آسیا طراحی شود. ایران به‌عنوان دارنده یکی از بزرگ‌ترین ذخایر گاز جهان، در نقطه‌ای ژئواستراتژیک قرار دارد که می‌تواند نقشی بی‌بدیل در تأمین امنیت انرژی کشورهای اسلامی و تقویت همکاری‌های اقتصادی-زیست‌محیطی منطقه‌ای ایفا کند (Tagliapietra & Zachmann, 2022). در این راستا، بازتعریف گاز از یک «منبع صرفاً درآمدی» به‌عنوان یک «اهرم همگرایی منطقه‌ای و ابزار توسعه پایدار» ضروری است. در سطح راهبردی، ایران باید دیپلماسی گازی خود را در بستر سازمان‌های منطقه‌ای و اسلامی نظیر سازمان همکاری اسلامی، مجمع کشورهای صادرکننده گاز و اکو با تنظیم‌کننده گاز و ابتکار عمل در ایجاد شبکه همگرایی انرژی اسلامی را به دست گیرد. این اقدام می‌تواند علاوه بر کاهش وابستگی به بازارهای پریسک غربی، زمینه‌ساز شکل‌گیری یک «بلوک گازی اسلامی» با محوریت همکاری در فناوری، محیط‌زیست و تجارت انرژی شود (Aissaoui, 2016; UNESCWA, 2022).

همچنین تجربه کشورهای پیشرو مانند مالزی و اندونزی نشان می‌دهد که تلفیق اهداف توسعه‌ای با سیاست خارجی انرژی، ظرفیت بالایی برای ایجاد منافع دوسویه میان کشورهای اسلامی فراهم می‌کند. در این چهارچوب، ایران می‌تواند با ارائه بسته‌های همکاری شامل انتقال دانش فنی، تسهیل سرمایه‌گذاری مشترک، و بهره‌گیری از ظرفیت شرکت‌های دانش‌بنیان داخلی، خود را به‌عنوان شریک راهبردی در پروژه‌های انرژی کشورهای همسو تثبیت کند (Sovacool & Van de Graaf, 2020). از منظر عملیاتی، ایجاد یک دبیرخانه دائمی همکاری گازی جهان اسلام با محوریت ایران می‌تواند به تبادل تجربیات، هم‌افزایی سیاست‌ها و یکپارچه‌سازی استانداردهای زیست‌محیطی در بخش گاز بینجامد. توسعه صادرات گاز ایران به کشورهای مسلمان با فناوری‌های نوینی چون LNG کوچک‌مقیاس، گاز شکل‌دهی (GTG) و شبکه‌های گاز منطقه‌ای، می‌تواند ابزار مؤثری برای دیپلماسی اقتصادی ایران در چهارچوب توسعه پایدار باشد (IEA, 2023).

درنهایت، تحقق این چشم‌انداز مستلزم چهار رکن کلیدی است: نخست بازسازی زیرساخت‌های اعتماد منطقه‌ای و تعامل برد-برد با کشورهای مسلمان؛ دوم یکپارچه‌سازی

سیاست انرژی با سیاست خارجی و همسویی دیپلماسی توسعه با دیپلماسی گاز؛ سوم تدوین سند راهبردی "گاز و جهان اسلام" با محوریت پایداری، همگرایی و عدالت انرژی و چهارم توانمندسازی نهادهای علمی و دانشگاهی در تولید دانش سیاست‌گذاری انرژی با رویکرد منطقه محور اسلامی. بدون این تغییر پارادایم، سیاست‌گذاری گاز در ایران همچنان در حصار نگاه درون‌نگر، بخشی‌نگر و غیرپایدار باقی خواهد ماند، درحالی‌که شرایط فعلی منطقه، فرصتی تاریخی را برای ایران فراهم کرده تا به معماری نظم انرژی نوین در جهان اسلام یاری رساند.

## ۸. نتیجه‌گیری

تحلیل سیاست‌گذاری منابع گازی ایران در چهارچوب نظری توسعه پایدار، که تلفیقی از رویکردهای غربی و اسلامی به توسعه است، نشان می‌دهد که علی‌رغم دارا بودن ظرفیت‌های بی‌بدیل طبیعی، موقعیت ژئوپلیتیکی راهبردی و جایگاه ممتاز در میان کشورهای جهان اسلام، سیاست گازی کشور همچنان با چالش‌های جدی در تحقق توسعه پایدار، عدالت‌محور و آینده‌نگر مواجه است. از منظر نظریه‌های توسعه پایدار غربی، گاز طبیعی نه فقط به‌مثابه منبع درآمدی یا ابزار رشد اقتصادی، بلکه به‌عنوان سرمایه‌ای طبیعی برای نسل‌های آینده، ابزار تحقق عدالت اجتماعی و یکی از محورهای حکمرانی پایدار در اقتصاد انرژی تلقی می‌شود. در دیدگاه اسلامی نیز بهره‌برداری از منابع انرژی باید در چهارچوب اصول استخلاف، عدالت، عمران و حفظ تعادل زیست‌محیطی انجام گیرد. این تلفیق نظری تأکید دارد که سیاست گازی نمی‌تواند صرفاً به اهداف صادراتی یا رشد اقتصادی بسنده کند، بلکه باید ابعاد اخلاقی، زیست‌محیطی و همگرایی منطقه‌ای را نیز دربرگیرد.

با این حال، سیاست‌گذاری گاز در ایران تاکنون از ضعف‌های ساختاری متعددی رنج‌برده است؛ نبود نقشه راه بلندمدت و یکپارچه، تمرکز بر خام‌فروشی، نارسایی در حکمرانی زیست‌محیطی، ناتوانی در تبدیل مزیت به قدرت چانه‌زنی منطقه‌ای و غفلت از هم‌افزایی انرژی محور با کشورهای اسلامی. این موانع موجب شده‌اند گاز طبیعی نتواند به‌درستی به‌عنوان پیشران توسعه پایدار داخلی و ابزاری برای ارتقای قدرت نرم منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران ایفای نقش کند. بر این اساس، حرکت به سوی الگوی «امنیت انرژی پایدار» که بتواند سه‌گانه امنیت انرژی، عدالت اجتماعی و پایداری زیست‌محیطی را در توازن قرار دهد، ضرورتی بنیادین است. اتخاذ چنین الگویی، مستلزم دگرگونی در سازوکارهای سیاست‌گذاری فعلی و استقرار حکمرانی انرژی

مشارکتی، علمی و منطقه‌محور است؛ حکمرانی‌ای که در آن، مردم، نخبگان، نهادهای مدنی و کشورهای هم‌پیمان اسلامی نقش فعال ایفا کنند.

افزون بر آن، ظرفیت‌های بالقوه در همگرایی گازی میان کشورهای اسلامی مانند قطر، ترکمنستان، مالزی و الجزایر فرصتی بی‌نظیر برای تقویت دیپلماسی انرژی ایران در بستر سازمان‌هایی نظیر مجمع کشورهای صادرکننده گاز (GECF) و سازمان همکاری اسلامی (OIC) فراهم می‌کند. چنین دیپلماسی‌ای می‌تواند ابزاری مؤثر برای خنثی‌سازی تحریم‌ها، افزایش قدرت چانه‌زنی در بازار جهانی انرژی و تقویت پیوندهای ژئوپلیتیکی جنوب-جنوب باشد.

### تعارض منافع

هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.

## References

- Aissaoui, A. (2016). Gas pricing and energy reform in the GCC: Implications for energy sustainability. Oxford Institute for Energy Studies.
- Ahmadi, A. (2019). Challenges of energy policymaking in Iran with emphasis on gas resources. *Quarterly Journal of Energy Policy*, 12(3), 45–68. [in Persian]
- Alizadeh, M., et al. (2021). Challenges of energy governance in Iran. *Quarterly Journal of Energy Policy*, 12(1), 55–80. [in Persian]
- Alizadeh, M. (2006). Iran's gas export policies: Challenges and opportunities. *Quarterly Journal of Energy Studies*, 2(1), 55–78. [in Persian]
- BP. (2022). *Statistical Review of World Energy 2022*. London: BP plc. Retrieved from <https://www.bp.com/en/global/corporate/energy-economics/statistical-review-of-world-energy.html>
- Bagheri, M. R. (2022). Analyzing the discontinuity of energy policies in Iran: Challenges and consequences. *Public Policy Quarterly*, 8(2), 55–74. [in Persian]
- Brundtland, G. H. (1987). *Our common future*. Oxford University Press.
- Cherp, A., & Jewell, J. (2014). The concept of energy security: Beyond the four As. *Energy Policy*, 75, 415–421.
- Charb, K., & Juul, N. (2014). The concept of energy security: Beyond the four As. *Energy Policy*, 64, 145–152. <https://doi.org/10.1016/j.enpol.2013.09.017>
- Daly, H. E. (1996). *Beyond growth: The economics of sustainable development*. Beacon Press.
- El-Katiri, L. (2014). Iran's gas export potential: Opportunities and challenges. Oxford Institute for Energy Studies.
- Goodland, R. (1995). The concept of environmental sustainability. *Annual Review of Ecology and Systematics*, 26, 1–24.
- Heydari, S., Moradi, N., & Norouzi, Sh. (2021). Strategic analysis of Iran's gas

industry in the 2020 horizon with a sustainable development approach. *Energy Strategy Quarterly*, 8(1), 29–50. [in Persian]

Islamic Consultative Assembly Research Center. (2021). Report on the performance of gas supply in rural areas. [in Persian]

International Energy Agency (IEA). (2018). *Iran energy outlook*. Paris: International Energy Agency.

International Energy Agency (IEA). (2021). *World Energy Outlook 2021*. International Energy Agency.

International Energy Agency (IEA). (2021). *World Energy Outlook 2021*. IEA. <https://www.iea.org/reports/world-energy-outlook-2021>

International Energy Agency (IEA). (2021). *World Energy Outlook 2021*. International Energy Agency. <https://www.iea.org/reports/world-energy-outlook-2021>

International Energy Agency (IEA). (2023). *Global Gas Security Review 2023*. International Energy Agency. <https://www.iea.org>

International Energy Agency (IEA). (2023). *Global Gas Security Review 2023*. Paris: IEA. Retrieved from <https://www.iea.org/reports/global-gas-security-review-2023>

Karimi, F. (2019). The requirements of energy governance in Iran: An institutional approach to sustainable policymaking. *Journal of Strategic Public Policy Research*, 6(2), 101–123. [in Persian]

Meadowcroft, J. (2009). Governance and sustainable development: Moving from theory to practice. *Environment and Planning C: Government and Policy*, 27(3), 487–501. <https://doi.org/10.1068/c08104>

Mansouri, M., Ghaderi, J., & Rezaei, S. (2019). Analysis of energy policy making in Iran with a sustainability approach: Strategies to deal with environmental and economic challenges. *Public Policy Quarterly*, 6(2), 112–87. [in Persian]

- National Iranian Gas Company. (2021). 50 years of gas industry performance report. Tehran: National Iranian Gas Company Publications. [in Persian]
- National Iranian Oil Company. (2019). A review of the history of Iran's gas industry. Tehran: Development Office. [in Persian]
- National Iranian Oil Company. (2019). History and developments of the Iranian oil industry. Tehran: National Iranian Oil Company Publications. [in Persian]
- National Iranian Oil Company. (2019). Associated gas management performance report. Tehran: Energy Development Office. [in Persian]
- Nasiri, J. (2008). History of developments in Iran's oil and gas industry. Tehran: Institute for International Energy Studies. [in Persian]
- Nasiri, M. (2008). A review of gas field development in Iran. *Energy Quarterly*, 4(1), 25-39. [in Persian]
- Nasr, S. H. (1976). *Man and nature: The spiritual crisis of modern man*. ABC International Group.
- Research Center of the Islamic Consultative Assembly. (2005). Report on rural gas supply policies. [in Persian]
- Saeedi, N. (2019). Pathology of Iran's gas policies. *Quarterly Journal of Energy Economics*, 16(2), 95-112. [in Persian]
- Sadeghi, Z., & Norouzi, A. H. (2021). Sustainable energy governance model in Iran with emphasis on institutionalization. *Energy Strategy Quarterly*, 12(1), 33-52. [in Persian]
- Sovacool, B. K. (2011). Conceptualizing energy security and sustainability. *Energy*, 36(12), 7108-7110.
- Sadr, M. B. (2005). *Iqtisaduna (Our economy)*. Islamic Seminary Publications.
- Sovacool, B. K., & Van de Graaf, T. (2020). Building or stumbling blocks? The EU's approach to gas security and sustainability. *Energy Policy*, 138, 111259.

<https://doi.org/10.1016/j.enpol.2020.111259>

- Sachs, J. D. (2015). *The age of sustainable development*. Columbia University Press.
- Stern, J. (2007). *Natural gas in Qatar: The policy and commercial success of a small state*. Royal Institute of International Affairs.
- Sachs, J. D. (2015). *The age of sustainable development*. Columbia University Press.
- Sovacool, B. K., Ryan, S. E., Stern, P. C., Janda, K., & Rochlin, G. (2015). The clean energy revolution: Barriers and strategies for implementation. *Energy Policy*, 82, 15–26. <https://doi.org/10.1016/j.enpol.2015.03.030>
- Sen, A. (1999). *Development as freedom*. Oxford University Press.
- Tahvonen, O., & Salo, S. (2001). Economic growth and transition between renewable and nonrenewable energy resources. *European Economic Review*, 45(8), 1379–1398.
- Tagliapietra, S., & Zachmann, G. (2022). A European perspective on the geopolitics of gas. *Bruegel Policy Brief*.
- UNDP. (2020). *Iran: Human development report 2020*.
- United Nations General Assembly. (2015). *Transforming our world: The 2030 Agenda for Sustainable Development (A/RES/70/1)*. New York, NY: United Nations. Retrieved from <https://documents-dds-ny.un.org/doc/UNDOC/GEN/N15/291/89/PDF/N1529189.pdf>
- UNESCWA. (2022). *The role of natural gas in achieving sustainable development in the Arab region*. United Nations Economic and Social Commission for Western Asia.
- United Nations. (2015). *Transforming our world: The 2030 Agenda for Sustainable Development*. UN Publications.

World Bank. (2021). Energy subsidy reform in MENA: Lessons from success stories. Washington, DC: World Bank Group.

Yadegari, M. (2016). Iran's gas and foreign policy: A comparative study of gas export contracts. Foreign Policy Quarterly, 30(3), 85-112. [in Persian]